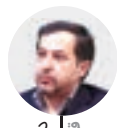
قرآن و سنت تفسیری اش



دکتر مرتضی کریمی‌نیا
قرآن‌پژوه

امروز مطالعات تفسیری درکنار مطالعات قرآنی دو شاخه مهم از حوزه پژوهش های مربوط به‌تکوین دین اسلام وتحولات فرهنگی واجتماعی سده‌های نخست اسلامی شناخته می‌شوند. محققان در حوزه مطالعات قرآنی بیشتر به شناخت خود قرآن، نزول، تدوین، کتابت، قرائت و دیگر تحولات متنی آن می‌پردازند. مطالعات تفسیری یا تفسیرپژوهی از سوی دیگر به بررسی تلاش های علمی معطوف به فهم متن قرآنی، روش‌ها و ابزارهای فهم این متن می‌پردازد. بنابراین تلاش برای دریافتن معنای واژه یا آیه‌ای در قرآن کریم، بیشتر عملی قرآن‌پژوهانه است. در مقابل، تلاش برای دریافت سیر تحول فهم مفسران از آن آیه را باید به‌حوزه تفسیرپژوهی متعلق دانست. از این رو، بخش زیادی از مباحث تفسیرپژوهی، معرفت درجه دوم است و در شاخه تاریخ علوم قرار می‌گیرد.

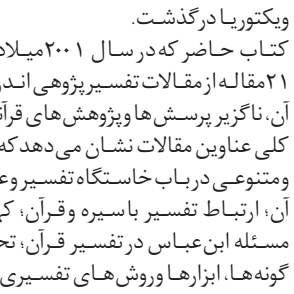
تفسیرپژوهی یا مطالعات تفسیری در میان دانشمندان اسلامی پیشینه‌ای چندان طولانی ندارد. نگاه تاریخی به مواد ومنابع اسلامی، چون تاریخ متن قرآن، تاریخ تکوین وسیر تطور تفسیر، نخستین بار در میان غیرمسلمانان به‌صورت علمی و با ابزارهای جدید علمی شکل گرفت و به‌تدریج محققان مسلمان آن را بر اساس معیارهای خود بازسازی وبومی سازی کردند. بنابراین امروز محققان مسلمانی که با روش های پژوهش ادبی و تاریخی آشنایی بیشتر دارند، بسیار بیشتر ازگذشته به انجام چنین مطالعات وتحقیقاتی توجه نشان می دهند.

در مطالعات تفسیری با پرسش های گوناگونی روبه‌روییم: چرا قرآن یا هر کتاب محوری دیگر نیازمند تفسیر شده است؟ نخستین دغدغه‌های تفسیری متوجه کدام بخش‌های متن قرآنی شد؟ نخستین گونه‌ها و رویکردهای تفسیری به‌ترتیب پیدایش چه‌بودند؟ ابزارها وروش های تفسیری سه قرن نخست در تفسیر قرآن چه‌بود؟ در پاسخ هیچ کدام از این پرسش‌ها نمی‌توان گفت: «واضح ومبرهن است که...». زیرا هیچ امری بدون نیازبدان واقع نمی‌شود وهیچ واقعه‌ای بدون علت روی نمی‌دهد. در تاریخ تفسیر و به‌طور کلی در تاریخ علم نیز هیچ چیز طبیعی نیست. از این رو، جست‌وجوی عوامل پنهان وآشکار در تحولات تاریخ علم تفسیر یکی از وظایف مهم تفسیرپژوهی است. اینکه چیزی ثابت مانده است، همان اندازه سبب ودلیل می خواهد که آن چیز تغییر وتحول یافته است. در این میان (به‌گمان من) پرسشی مهم‌تر نیز در میان است: چرا این تفسیر هست، حال آنکه می توانست نباشد؟ وچرا این تفسیر این گونه است، حال آنکه می توانست نباشد؟ این پرسش اساسی همه مطالعات موردی در تفسیرپژوهی است.

اندرو ریپین یکی از محققان غربی است که بیشترین تلاش علمی‌اش را در زمینه تاریخ تفسیر قرآن در سده‌های نخست انجام داده است. بخشی از روش، فرضیات ودستاوردهای علمی او را باید متأثر از استادش، جان ونزبرو، دانست که سرآمد تجدیدنظرطلبان (revisionists) در میان اسلام‌پژوهان غربی به‌شمار می‌آید. ریپین در سال ۱۹۵۰ میلادی در لندن متولد شد. پس از تحصیلات ابتدایی، در رشته مطالعات دینی دانشگاه تورنتو تحصیل کرد و در سال ۱۹۷۴ میلادی دانش‌آموخته شد. کارشناسی ارشد را در رشته مطالعات اسلامی دانشگاه مگ گیل گذراند و از پایان نامه اش در سال ۱۹۷۷ میلادی با عنوان «حرم و اصطلاحات مترادف آن در قرآن؛ تحلیلی از کاربردها ومعنای آن» دفاع کرد. خلاصه‌ای از این رساله بعدها در قالب مقاله‌ای انتشار یافت که اکنون در شمار مقالات همین کتاب به‌فارسی ترجمه شده است. او دکتری اش در رشته مطالعات اسلامی را نیز در سال ۱۹۸۱ میلادی از همان دانشگاه، با نگارش رساله‌ای با عنوان «متون اسباب نزول قرآنی؛ بررسی در کاربرد وتحول آن در تفسیر» دریافت کرد که بخش‌هایی از این رساله نیز در قالب مقالات مختلف در همین کتاب ترجمه وانتشار یافته است. پس از آن، مدتی در مدرسه مطالعات شرقی وآفریقایی (SOAS) دانشگاه لندن، پژوهش هایش در حوزه مطالعات قرآنی وتفسیر را ادامه داد. او سپس سال ها استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه کلگری کانادا، رئیس دانشکده تاریخ در این دانشگاه، و در نهایت استاد دانشگاه ویکتوریای کانادا بود و پس از بازنشستگی، به‌عضویت علمی در مؤسسه مطالعات اسماعیلیه در لندن درگروه مطالعات قرآنی درآمد. ریپین در نوامبر ۲۰۱۶ در ویکتوریا درگذشت.

کتاب حاضر که در سال ۲۰۰۱ میلادی منتشر شده، حاصل ۲۱ مقاله از مقالات تفسیرپژوهی اندرو ریپین است، اما نه به‌ای آن، ناگزیر پرسش ها و پژوهش های قرآنی نیز آمده است. فهرست کلی عناوین مقالات نشان می دهد که طرح مسئله های اساسی ومتنوعی در باب خاستگاه تفسیر وعوامل فرهنگی واجتماعی آن؛ ارتباط تفسیر با سیره وقرآن؛ کهن‌ترین متون تفسیری؛ مسئله ابن‌عباس در تفسیر قرآن؛ تحول تدریجی در پیدایش گونه‌ها، ابزارها وروش های تفسیری؛ فرهنگ‌ها وقاموس های عربی؛ دانش هایی مانند اسباب النزول، واژه‌های دخیل ونسخ؛ وفهم قرآن بر مبنای عهدین (بایبل) به‌کتاب ریپین در زمینه مطالعات تفسیری غنای خاصی بخشیده است.

اهمیت کتاب حاضر بیش از آنکه در نتایج ودستاوردهای مؤلف آن باشد، در پرسش های مهم واساسی آن نهفته است. روشن است که ما پژوهشگران ایران واسلام، نباید درصدد ترجمه وپذیرش هر سخنی از غربیان به‌اتکای غربی وتازه‌بودن آن باشیم؛ همچنان که شرقی بودن وغربی بودن هیچ مؤلفی به‌تنهایی سبب رد دیدگاه او نمی‌شود. این کتاب به‌پژوهشگر عالم وآشنا به‌متون مهم تفسیری وقرآنی در قرون نخست، نشان می‌دهد چگونه در میان امور به‌ظاهر بدیهی ومبرهن، می‌توان نکته‌ها وپرسش های جدی در باب پیدایش متون وتحول دانش هایی مانند دانش تفسیر رایافت وبه‌درستی برتافت. از این رو، هیچ کس را نمی‌توان ونباید به‌تقلید از محتوای تولیدشده غربیان تشویق کرد، اما می‌توان وباید به‌دقیق اندیشیدن ودرست پرسیدن واداشت وروش صحیح پی‌جویی پرسش‌ها را به‌او آموخت. این همان امری است که در نظام آموزش و پژوهش ما در حوزه ودانشگاه عمدتا غایب است و پژوهش آکادمیک ما بدان سخت نیازمند. آرزو دارم این مجموعه دریچه های تازه‌ای در امر پژوهش تاریخی بر محققان در حوزه مطالعات اسلامی به‌ویژه قرآن پژوهان وتفسیرپژوهان بگشاید.



شهرآرا
شنبه
۰۸ بهمن ۱۴۰۱
۰۶ رجب ۱۴۴۴
شماره ۳۸۶۹
SHAHRARANEWS.IR
۱۴

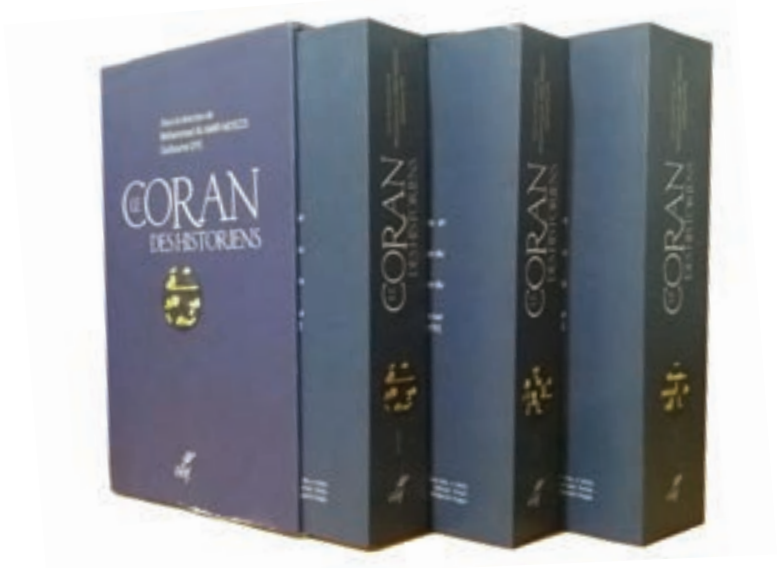
گفت‌وگوی شهرآرا با محمد باعزم، پژوهشگر علوم قرآنی، درباره کتاب «قرآن مورخان» که به زبان فرانسوی منتشر شده است

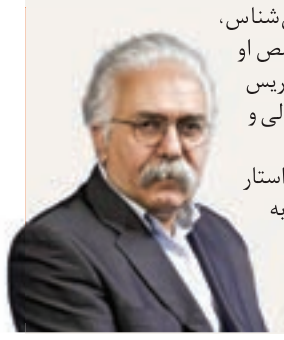
فصلی تازه در مطالعات نوین قرآن‌پژوهی

امید حسینی نژاد

ظهور دین مبین اسلام در شبه‌جزیره عربستان سبب واکنش‌های زیاد مشرکان این منطقه شد. آنان فشارهای بسیاری بر پیامبراکرم(ص) و مسلمانان وارد کردند. علاوه بر آن، ادیان دیگری که در این منطقه حضور داشتند، علم مخالفت برافراشتند و یهودیان ساکن در این منطقه وارد جنگ با مسلمانان شدند. پس از گسترش اسلام در سرتاسر جهان، رویکرد مخالفان اسلام تغییر کرد. سنت ردیه‌نویسی در میان مسیحیان و یهودیان علیه اسلام رواج پیدا کرد. آنان قرآن کریم را به زبان‌های گوناگون ترجمه کردند تا از این راه به رد عقاید مسلمانان بپردازند. این نگاه تا دوره معاصر ادامه پیدا کرد، اما در دوره معاصر دچار تغییرات اساسی شد. مستشرقان زیادی در مراکز پژوهشی دنیا به‌دنبال شناخت هرچه بهتر دین مبین اسلام هستند و آن روحیه اسلام‌ستیزی در میان پژوهشگران آکادمیک کم شده است. البته نمی‌توان رویکرد اسلام‌ستیزانه برخی از این پژوهشگران را نفی کرد. در سال ۲۰۱۹ میلادی مجموعه‌ای با عنوان «Le Coran des historiens»، «قرآن مورخان» به زبان فرانسه روانه بازار شد. این مجموعه سه‌جلدی با مشارکت سی تن از پژوهشگران تاریخ ادیان به سرپرستی محمدعلی امیرمعزی، استاد ایرانی دانشسرای کاربردی مطالعات عالی فرانسه، وگیوم دی، استاد اسلام‌شناسی دانشگاه آزاد بروکسل، به‌تازگی منتشر شد. انتشار اثری متمرکز بر قرآن کریم با رویکرد تاریخی‌انتقادی در بررسی ۱۱۴ سوره آن به زبان فرانسه بی‌سابقه بوده است و از این رو اثری نو و شایسته توجه به شمار می‌رود. این کتاب در اصل چهار مجلد است که سه مجلد آن به‌صورت کاغذی چاپ شده و در دسترس پژوهشگران قرار گرفته است و جلد چهارم که اطلاعات کتاب‌شناختی و تحقیقات مرتبط با این حوزه را دربردارد، به‌صورت آنلاین در بازه زمانی متفاوت به‌روزرسانی و منتشر خواهد شد.

پس از انتشار این مجموعه، پژوهشگران به نقد و بررسی آن پرداختند و یادداشت‌هایی منتشر کردند. دکتر محمد باعزم، پژوهشگر علوم قرآن و حدیث، به بررسی محتوایی این اثر پرداخته است. او در این گفت‌وگو به‌دلیل تسلط به زبان فرانسوی و آشنایی تخصصی با مطالعات آکادمیک علوم اسلامی، نکات درخورتوجهی درباره این اثر مطرح کرده است. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.





محمدعلی امیرمعزی متولد ۵بهمن ۱۳۳۴ خورشیدی در تهران، شرق‌شناس، اسلام‌پژوه و قرآن‌پژوه ایرانی و استاد دانشگاه سوربن فرانسه است. تخصص او الهیات تشیع است و در زمینه تفسیر تاریخ‌های قرآنی و الهیات شیعه تدریس می‌کند. او هم‌اکنون مدیر مطالعات در دانشسرای عملی پژوهش‌های عالی و دارای کرسی تفسیر و الهیات اسلام شیعه است.
علاوه بر آثاری در حوزه شیعیان نخستین و تفسیر تاریخ‌های قرآنی، او سرویراستار و مدیر اثر جمعی «فرهنگ قرآن» (Le dictionnaire du Coran) است که به کوشش انتشارات روبر لافون در سال ۲۰۰۷ میلادی منتشر شد. امیرمعزی همچنین پدیدآورنده، مدیر و یکی از سی نویسنده مجموعه چهارجلدی «قرآن مورخان» (Le Coran des historiens) است.

چاپ کتاب «قرآن مورخان» پدیده‌ای کم‌نظیر در مطالعات قرآنی دوره معاصر است. به نظر شما ایده اصلی این پژوهش چه بوده است؟

قرآن‌پژوهی یکی از موضوعاتی است که نظر خاورشناسان را به‌خود جلب کرده است از چند دهه گذشته شاهد تولید مجموعه‌های بسیاری از جمله دایرةالمعارف‌ها و کتاب‌های تخصصی در این زمینه هستیم. رویکردهای خاورشناسان به قرآن پژوهی متفاوت بوده، اما تاکنون شاهد مجموعه مدونی با رویکرد تاریخی در معنای تخصصی خودش نبوده‌ایم. اواخر سال میلادی گذشته مجموعه «قرآن مورخان» به سرپرستی محمدعلی امیرمعزی و گیوم دی با رویکردی تاریخی منتشر شد و اکنون تنها اثر برجسته قرآن‌پژوهی معاصر به شمار می‌رود که به‌کل قرآن کریم با این رویکرد پرداخته است. اهمیت این اثر از آن روست که جمعی از متخصصان میان رشته‌ای گرد هم آمدند تا با چنین رویکردی به تحلیل و بررسی زمینه های مختلف قرآنی بپردازند.

امیرمعزی در مصاحبه های مختلف درباره ایده اولیه این اثر چنین بیان می کند که ناشر این مجموعه از او درخواست کرده است تا ترجمه جدیدی از قرآن کریم به زبان فرانسوی تهیه کند و امیرمعزی با اقناع اومبنی بر اینکه ترجمه‌های فرانسوی مقبولی از قرآن وجود دارد، ایده توسعه مطالعات قرآنی به زبان فرانسوی مبتنی بر رویکرد تاریخی وانتقادی را مطرح کرده واین اثر پس از پنج سال تحقیق وپژوهش منتشر شده است.



این کتاب تنها مجموعه مشتمل بر تفسیر کامل قرآن با رویکرد فیلولوژیک و تاریخی به زبان فرانسوی است و نمونه مشابهی ندارد. اهمیت این اثر از زوایا و ابعاد گوناگون قابل تحلیل و بررسی است که پرداختن به آن می‌تواند افق‌هایی جدید درباره قرآن کریم را پیش روی پژوهشگران بگشاید

آیا سرویراستاران این مجموعه برای تألیف این اثر به مخاطب‌های عمومی که به دنبال شناخت قرآن هستند نیز توجه کرده‌اند؟

بله. باوجود گسترش تحقیقات تاریخی درباره قرآن کریم به‌عنوان متن مقدس مسلمانان، از قرن نوزدهم میلادی تاامروز نتایج تحقیقات این حوزه در حلقه‌ای از متخصصان اسلام شناس محدود شده است، اما هدف این کتاب آن است تا از این چارچوب رها شود ونتایج تحقیقاتش را به مخاطبان عمومی نیز عرضه کند. همان طور که سرپرستان این اثر در دیباچه نوشته‌اند، این کتاب تنها مجموعه مشتمل بر تفسیر کامل قرآن با رویکرد فیلولوژیک و تاریخی به زبان فرانسوی است و نمونه مشابهی ندارد. اهمیت این اثر از زوایا و ابعاد گوناگون قابل تحلیل وبررسی است که پرداختن به آن می‌تواند افق‌هایی جدید درباره قرآن کریم را پیش روی پژوهشگران بگشاید.

بافت اصلی و محتوای این کتاب چگونه طبقه‌بندی شده است؟

جلد اول به قرآن و چگونگی پیدایش اسلام، محتوای تاریخی وجغرافیایی آن اختصاص دارد. در این مجلد همچنین مطالعاتی درباره بافت وپیدایش قرآن کریم ارائه شده که مشتمل بر بیست پژوهش تاریخی در سه بخش است. در مجلد نخست مقالات مهمی از جمله «عربستان پیش از اسلام»، «اعراب وایرانیان قبل وصدر اسلام»، «حیات حضرت محمد(ص)» و «از عربستان تا امپراتوری: فتح وایجاد خلافت در صدر اسلام» وجود دارد.

پرداختن به تاریخ عربستان پیش از اسلام یکی از ویژگی های بارز این بخش است. مورخان این مجموعه تصور سنتی وعمومی از جهالت را برهم زده‌اند وانزوای همراه با بت‌پرستی وناآشنایی آنان با ادیان توحیدی مجاور را به‌نحو دیگری به‌نمایش گذاشته‌اند. آنان بر این باورند که این تصور سنتی چندان درست نیست وعربستان پیش از اسلام از تعاملات فرهنگی واجتماعی با مناطق پیرامونی که عموما ادیان توحیدی داشته‌اند، خالی نبوده است وعربستان آن‌زمان را محیطی چندبعدی از منظر دینی، فرهنگی واجتماعی با حضور گسترده ادیان توحیدی معرفی وبرای آن مستندات قوی تاریخی ارائه می‌کنند. بخش دوم این مجلد به‌قرآن در پیوند با متون مقدس پیش از خود اختصاص داده شده است وبخش سوم این مجلد به‌مصحف قرآنی اختصاص دارد.

آیا در این کتاب به بحث‌های تفسیر قرآن نیز پرداخته شده است؟

جلد دوم وسوم این اثر به‌تفسیر وتحلیل ۱۱۴ سوره قرآن پرداخته است وبه‌عنوان طولانی‌ترین بخش این مجموعه (تقریبا ۲ هزار و ۴۰۰ صفحه کاغذی) تفسیری پیوسته از سوره‌های قرآن کریم ارائه می‌کند که برخی از آن‌ها بسیار کوتاه وبرخی دیگر طولانی‌تر هستند. این بخش با مقدمه‌ای ده‌صفحه‌ای به‌قلم محمدعلی امیرمعزی وگیوم دی آغاز می‌شود وتفسیری ترتیبی از سوره های قرآن کریم ارائه می‌کند. در میان نویسندگان این بخش، اسامی افرادی نام‌آشنا مانند گابریل سعید رینولدز وآن سیلوی بوآلیوو به‌چشم می‌خورد.

جلد چهارم کتاب شناسی مطالعات قرآنی را عرضه می‌کند وبر اساس نظر سرپرستان علمی، این جلد به‌تهیه فهرستی تاحد امکان جامع از مطالعات علمی (مقالات، کتاب‌ها وفعالیت‌های جمعی) اختصاص دارد که برگرفته از محتوا ونظرات محققان این حوزه از قرن نوزدهم تاامروز است وبه‌صورت برخط به‌روزرسانی می‌شود. در طول تمدن اسلامی به‌طور معمول تفاسیر وکتاب‌هایی که در زمینه شناخت قرآن نوشته شده، یک نویسنده داشته است.

به نظر شما دلیل بهره گیری از متخصصان مختلف برای نوشتن این مجموعه چه بوده است؟

به‌باور امیرمعزی با توجه به‌اینکه متن قرآن متنی غنی، پیچیده ومتنوع است، به‌ترکیب چندین کارشناس علمی نیاز بود تا بتوان از خلال دانش آنان، بافت تاریخی حیات پیامبراکرم(ص) را درک کرد. در این راستا به‌مورخانی نیاز بود که بتوانند بیزانس، ایران واتیوپی را به‌خوبی بشناسند وبا یهودیت، مسیحیت، زرتشت وآیین مانوی وحتی دین‌داران بادیه‌نشین آشنا باشند. از سوی دیگر نیاز بود تا جغرافی‌دانانی آگاه پیدا شوند که شبه‌جزیره عربستان را به‌خوبی بشناسند وجایگاه دقیق آن را در غرب‌آسیا روشن کنند. همچنین نیاز بود تا حقوق دانانی که در زمینه فقه وحقوق شهروندی فعالیت می‌کنند، شناسایی شوند. نیز باید مجموعه‌ای از الهی دانان آگاه از آموزه‌های مسیحیت شرقی، آشوری، قبطی و... در این مجموعه یاری‌رسان می‌بودند. انسان شناسان گروه دیگری بودند که نیاز به آنان ضروری بود تا با آگاهی از دانش زبان های باستانی ازجمله آرامی وسریانی به‌این مجموعه بپیوندند. اپی گرافیست ها که در خوانش کتیبه ها تخصص دارند ومتخصص رمزشناسی هستند، گروه دیگری بودند که می‌توانستند زنجیره‌ای از دست‌نوشته‌های موجود در این منطقه را برای مخاطب امروزی تبیین کنند.

به نظر شما امتیاز این مجموعه نسبت به پژوهش های مشابه در دوره معاصر چیست؟

با وجود گسترش تحقیقات تاریخی درباره قرآن کریم به‌عنوان متن مقدس مسلمانان از قرن نوزدهم میلادی تاامروز، نتایج تحقیقات این حوزه در حلقه‌ای از متخصصان اسلام‌شناس محدود شده، اما هدف این مجموعه آن است تا از این چارچوب رها شود ونتایج تحقیقاتش را به منظر مخاطبان عمومی نیز برساند. همان طور که سرپرستان این اثر در دیباچه نوشته‌اند، این کتاب تنها مجموعه مشتمل بر تفسیر کامل قرآن با رویکرد فیلولوژیک و تاریخی به زبان فرانسوی است و نمونه مشابهی ندارد. اهمیت این اثر را از زوایا و ابعاد گوناگون می توان تحلیل وبررسی کرد که پرداختن به آن می تواند افق هایی جدید درباره قرآن کریم را پیش روی پژوهشگران بگشاید. از نکات مهم درباره این مجموعه آن است که سرویراستاران تلاش کرده اند تا نظرات وآرای تفسیری محققان اعم از مسلمان و غیرمسلمان درباره قرآن کریم را با به‌کارگیری ادبیات مناسب وقابل فهم به صورت اثر پژوهشی درخور گرد آورند. همچنین تلاش کرده اند تا این اثر زمینه ساز انجام تحقیقات نوین در حوزه قرآن پژوهی معاصر واقع شود. از سوی دیگر گردآوری منابع استفاده شده در پژوهش های این گروه می تواند دسترسی پژوهشگران به‌حجم شایان توجهی از منابع را فراهم کند و از این منظر نیز امکان کاوش در منابعی را که کمتر به آن ها توجه شده است، میسر گرداند.

دست‌نوشته‌ای از گوته

به روایت اسناد

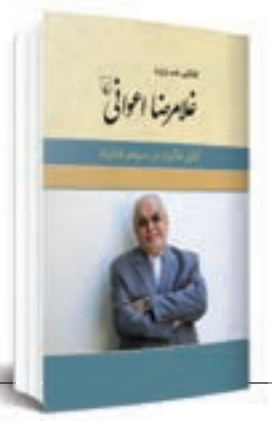


اوایل ژانویه سال ۲۰۲۰ میلادی در میان دست‌نوشته های گوته نوشته ای پیدا شد. این دست‌نوشته نشان دهنده تأثیر سنت اسلامی بر این اندیشمند بزرگ آلمانی بود. «یوهان ولفگانگ فون گوته» ادیب، فیلسوف، نقاش ونویسنده آلمانی است که سال ۱۷۴۹ میلادی در فرانکفورت به‌دنیا آمد. تأثیر او در سرتاسر اروپا چنان گسترش یافت که آثارش در سده پس از او منبع اولیه اطلاعات در زمینه‌های موسیقی، شعر، نمایش‌نامه وفلسفه شد. گوته نه‌تنها شاعر ونویسنده‌ای با استعداد، بلکه اولین روشن‌فکر شناخته‌شده آلمان نیز به‌حساب می‌آمد. گوته با ترجمه آلمانی دیوان حافظ توسط یوزف فون هامر پورگشتال، شرق‌شناس مشهور در اتریش، بیش از پیش با اشعار فارسی آشنا شد. در این ایام که با جنگ وخون‌ریزی های ناپلئون مصادف بود، گوته تحت تأثیر شعرهای حافظ، طبع شاعرانه اش بازگشت وزندگی در دنیای حافظ سبب شد که او در یک هفته پانزده شعر جدید بسراید ودیوانی را با عنوان «غربی شرقی» سرود. طبق قراین، گوته برای شناخت بیشتر وبهتر الگوهای حافظ به‌سراغ منابع مکتوبی از اسلام رفته است. در این حین آنی ماری شیمل، پژوهشگر آلمانی، معتقد است که تشبیه پیامبر اسلام(ص) به‌آب در شعر «نغمه محمد» در هیچ منبعی به‌جز اثر شیخ کلینی مشهور به «الکافی» یافت نمی‌شود. در روزهای ابتدایی ژانویه ۲۰۲۰ میلادی، رسانه «فطرس مدیا» با همکاری «بنیاد گوته» و «سازمان جهانی یونسکو» به‌نوشته‌هایی از گوته، خالق دیوان «غربی شرقی» دست یافته است که آن را می‌توان پل فرهنگی از غرب مسیحی به‌سوی شرق شیعی دانست.

در این میان، گوته برای فهم بهتر این منابع ناگزیر از آموختن زبان عربی وفارسی بود. مشق های خط عربی وفارسی او پس از دو قرن همچنان در منزلش موجود است. مشق های یوهان از خط عربی در موزه خانه اش در شهر وایمر نگهداری می‌شود. در این بین جمله‌ای که از شعارهای مهم شیعیان است، بیشتر خودنمایی می‌کند: «علی ولی ا...». تعداد نوشته‌های «علی ولی ا...» به‌دست یوهان گوته آن‌قدر زیاد است که گویی وی با هدفی مشخص قصد یادگیری این جمله را داشته است.

آفاق فکرت در سپهر فطرت

کتاب شناخت



بی‌تردید باید غلامرضا اعوانی را در زمره چهره های حکمی و در ادامه نگرش و روش شیخ اشراق رتبه‌بندی کرد. اعوانی نه‌تنها به حقانیت وجامعیت حکمت الهی در برابر فلسفه های اسلامی وغربی باور دارد، بلکه ابرامی مثال‌زدنی بر این باور خود دارد. شاید به همین دلیل است که بیان و زبان او در طول سال هایی که از تأثیرگذاری او بر مجامع فکری می‌گذرد، تقریبا ثابت و بدون تغییر مانده است. این ثبات اثبات پایمردی در راهی است که اعوانی آن را راه راستین و به بیان دقیق تر یگانه راه راستین می داند. بدین ترتیب غلامرضا اعوانی با گام‌گذاشتن در مسیر سلوک سهروردی به‌مثابه سرسلسله افلاطونیان پارس، نماینده نگاه حکمایی در سپهر فلسفی ایران معاصر ارزیابی می‌شود. طبیعی است که همواره در برابر این نگاه حکمایی و افلاطونی، نگاه عقلایی و ارسطویی صف‌آرایی کرده است.

غلامرضا اعوانی در منش وروش خود به‌حکمت پایبند است و هر امری را در چارچوب حکمت به‌سنجش می‌گیرد. او دین وعلم را نیز از منظر حکمت به‌رسمیت می‌شناسد وبه‌همین سبب در نظام فکری خود دچار تنش میان مسائل علمی در رویارویی با باورهای دینی نمی‌شود. البته این یگانگی علم ودین نزد او دلیلی بر پیچیده‌نبودن تفکرش نیست وبه‌نظر می‌رسد اعوانی باوجود سادگی، یکی از متفکران پیچیده معاصر ایران به‌شمار می‌رود.

آنچه در این کتاب آمده، روایت سادگی‌ها وپیچیدگی‌های زندگی فکری غلامرضا اعوانی وفراز و فرودهای تفکر حکمی اوست؛ تفکری که منتقد جدایی علم از حکمت وحتی دین از حکمت است.

این کتاب که شامل مصاحبه‌های چندساله مؤلف با دکتر اعوانی است، از چهار فصل تشکیل شده است. در فصل نخست به زیروبم زندگی این حکیم معاصر پرداخته شده است. فصل دوم فرصتی برای تصویرسازی ومعناسازی دیدگاه های علمی دکتر اعوانی در پاسخ به‌پرسش‌ها وچالش‌های مطرح‌شده در کتاب است و در آن بحث هایی درباره فلسفه، هستی‌شناسی ومعرفت‌شناسی شده است. در فصل سوم که طولانی‌ترین فصل کتاب است، به‌رویکرد ثابت اعوانی ناظر به وابستگی فلسفه به حکمت پرداخته شده است.

کتاب «آفاق فکرت در سپهر فطرت؛ گفت وگوی حامد زارع با غلامرضا اعوانی» به‌کوشش حامد زارع در سال ۱۳۹۸ و به‌کوشش انتشارات ققنوس منتشر شده است.